

# درباره پ الف آشنا، عالی جناب ایرج پزشکزاد



محمود فرجامیه

طنبزیداری صادق هدایت- سنت طنز و کمدی ایرانی و فارسی را دنیا می‌گرفت. دراقع او نویسنده‌ای سنتکار و عمیقاً ایرانی بود که ادبیات پیش از قرن بیست از اینجا اردو با خوبی آشنا بود. بهترین داستان‌های کوتاه او در مقایسه با آثار طنزنویسان مثل منوچهر صفا (اندر آداب و احوال) قریدون تکابی (داداشت‌های شهر شلاغ)؛ مدفن و تکنیکی به شمار نمایند؛ روایت‌هایی شیرین و کاداعنده که با هوشمندی بشی از هر چیز برای محاطب ایرانی نوشته شده‌اند. از میان متأخران به باورم هوشمنگ مرادی کرامی از این جثت به او مانندتر از هر کسی است. والکو و مراد چه کسی در ادبیات فارسی، وقتی بخواهد طفیل و ظرف و عوام‌فهم و خواص‌پسند و جاودانه بنویسد سعدی نیست؟

«طنز فاخر سعدی» حاصل دلستگی عقیق او به سعدی و للاش در عرصه نظری برای درک طرز و کنایه سعدی بود. او در این کتاب می‌کوشد ابتدا «طنز» را که در زبان فارسی اند مفهوم اموزن جدید است به محاطب پیشانسان. برای این منظور تزدیک مدل عیب زانه و کتاب را به نقل آثاری از لول، اولول، هوکو، هاشک و عبید اختصاص داده تا شان دهد طنز در مفهوم جدید اصولاً چیست. از این نظر او پیش‌نویسانگان و بیرون‌گانی مثل دخدا و آینه‌پور (در آن صبا تایماً) بود که مساقیت‌ها تحت تأثیر طنز سیاسی، متفهوم روشنگرانه و جنسور نویسنده‌گان مقدم فراسوی نظری و لتر و دیدر و بودن و اینشخور آنها جنبش ادی پیرامون انقلاب بکیر فرانسه بود. موارد نقاشده عموماً ترجمه خود از فرانسوی هستند و شیرینی قلم او در توجه‌ها کاکلاه‌هودی است. این مسلله را خاص‌نمایان در قیاسه ترجمه از اثر مشهور هاکن «شوایک سرباز یاکدل» (تهران، تکاب، مان، ۱۳۸۵) یافته. پزشکزاد بخشی از آن را مترجم کرد. از این نظر اینجا مترجم خود از جویاک ترجمه کمال ظاهري (تهران، نشر چشم، ۱۳۸۴) بود. یافته پزشکزاد بخشی از اثر را در جودا ۲۵۰ صفحه از ترجمه فرانسه به فارسی برگردانده در حالی که ظاهري کل اثر را دقت بیشتری در ۹۰۰ صفحه از متن اصلی (چکی) به فارسی برگردانده. اما- باور من- ترجمه پزشکزاد شیرین تر و خواندنی‌تر است.

به هر روی او این اثر در بی شناساندن طنز سعدی، با را واقع طنز در گلستان سعدی به عنوان طنز فاخری است که به نظر پزشکزاد عدم درک درست از طنز ادبی باعث شده نمونه‌های آن به چشم نیایند. هرچند کتاب- به درست بر این انساب بزمان و از طنز به دست بیست دادرسی‌هایی هم دارد (مثل ترجمه هزل به این انساب را irony نامید) و پژوهشی ادبی نیست و خوشبینی، یا تشكیک در انساب هزلیات به سعدی از متعارف و از طنز به دست بیست خوشبینی. اما کوشش او و همچنین روشنی که به کار بردازد آمزده است و به گمانم از این نیز بسته خواندنی‌تر از «حافظ ناشنیده‌پند» شد: رمانی تاریخی که خواست با پیوند میان حافظ و عبید زاکاری هم شیرین و خوشبینه و خواندنی باشد و هم ا斛اعات مفیدی از زندگی آنها به دست دهد و تقریباً در هیچ‌گدام هم موفق نشد.

## کیسپر عالی جناب

واقعیت این است که از «بی‌بیول» از دهه سی تا «گلگشت خاطرات» در دهه هشتاد خوشبینی‌بیسایر از قطعات ای کتاب‌های مستقلی که پزشکزاد نوشت اثایار اند که اکر کسی جز او، به عنوان خالق دایی جان ناپلئون، آنها را منتشر کرده بود شاید بخت اجرا انتشار را نمی‌یافتد. در مجموعه «بی‌بیول» کاه شوخی‌ها و موضوعات چنان‌مدستی اند که خوشبینی و تسلط پزشکزاد بر کدمی‌نویسی هم نمی‌دهد. خود داستان بی‌بیول که در این نمایش از خاندان نیمه‌هاشرافی را به زوالی که در این دو راه رضاشاه هنوز اکابر در دوران قاجار سیزی از کند از سکی به نام بی‌بیول و خصوصی شریفی از تازه‌زاده‌برهان زن (دستاونی‌محضه‌نامه) و چند شوخی جنسی و کلامی (pun)، نازل‌ترین گلگشت خاطرات‌ است. شخصیت‌ها در نمایش نامه ناپلئون و انتظار برای اطلاعات ای اکتاب‌های مستقلی که پزشکزاد نوشت هنوز می‌باید از عرض‌شدن زمانه و خصوصاً مل در گرو ارشادی پویسیده بیشین داشتن بیکار از



دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع

دانستان در دوره آن گذشتند (بیکاری هم زمانه) که در زمان و قوع